



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Assessment and Ranking of the Economic Weight of Ethnic Groups in the National Power of the Islamic Republic of Iran

Mohsen Rostami^{1*} , Hamed Mehraban² , Mahmoud Sheikh Hassani³ , Abuzar Miaar Abbasi⁴

1. Faculty Member, Supreme National Defense University – Corresponding, Tehran, Iran

2. Ph.D. in Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

4. PhD Student, Faculty of National Security, National Defense University

ARTICLE INFO	EXTENDED ABSTRACT
History Article: Received: 27 January 2024 Revised: 02 February 2024 Accepted: 18 February 2024	Abstract: Every country always seeks to maintain and increase its national power according to its existing resources. The collection of these resources, which range from population and geography to culture, is considered one of the most important strategic issues for any country. Objective: Identity groups, especially ethnic groups, are considered one of the most important sources of national power. In a way, Iran has always been a land and place of residence of various ethnic groups. Therefore, the purpose of the research is to answer the question: what capacity and weight do ethnic groups have in the economic dimensions and national power resources of the Islamic Republic of Iran? Method: The statistical population of the study is seven ethnic groups: Persians, Kurds, Lors, Azeri, Turkmen, Baluchis, and Arabs. To answer the research question, using a mixed research method (quantitative-qualitative) and collecting information in the field and library (secondary data), after extracting the dimensions and indicators of national power and specifying their coefficients (by 52 experts), the methods of "percentage or provincial ratio" and "averaging" were used to unify the indicators. Findings and discussion: The research findings indicate that the Persians have allocated 49 percent of the national power in terms of economic dimensions and resources. The Turkmen have also allocated the least weight in national power with approximately 3 percent. Conclusion: The main issue of this study, unlike other studies, was not to measure the national power of one or more countries, but rather to measure the weight of ethnic groups in the national power of the Islamic Republic of Iran. One of the main reasons why this topic was chosen for research was that Iran has long been a place where various ethnic groups live. For this reason, the enemies of this border and landscape have sought to exploit it. In this research, an attempt was made to analyze the economic dimensions and resources of national power as one of the most important dimensions of national power. Highlights: The main issue is that some ethnic groups, such as the Arabs, who constitute 9 and 5 percent of national power in economic and resource dimensions, respectively, play a more prominent role in governing the country. For example, like the east of the country, their capacity can also be used to secure the southwestern borders. In addition to preventing abuse by hostile powers, these types of strategies also result in their absorption into the system as much as possible.
Keywords: Ethnic Groups, National Power, Persians, Kurds, Azeris, Balochs, Turkmen, Lors, Arabs.	

* Corresponding Author: Mohsen Rostami

Email: mmahya1392@gmail.com

Cite this article:

Rostami,M. Mehraban,H. Sheikh Hassani,M. (2025). Assessment and Ranking of the Economic Weight of Ethnic Groups in the National Power of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Organization Of Space Economy*, 2(7), 107-129.



© The Author(s)

Publisher: Islamic Azad University of Yadegar-e Imam Press



نشریه ساماندهی اقتصاد فضا

<https://sanad.iau.ir/journal/jose>


مقاله علمی

سنجش و رتبه‌بندی وزن اقتصادی اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

محسن رستمی^{۱*}، حامد مهربان^۲، محمود شیخ حسنی^۳، ابوذر میارعباسی^۴

۱. دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۳. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۴. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مشخصات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ واژگان کلیدی: اقوام، قدرت ملی، فارس، کرد، آذری، بلوچ، ترکمن، لر، عرب.	چکیده: هر سرزمینی به فراخور منابع موجود خود همواره در پی حفظ و افزایش قدرت ملی خود است. مجموعه این منابع که دامنه آن از جمعیت و جغرافیا تا فرهنگ گسترده است، برای هر کشوری از مهم‌ترین مسائل راهبردی قلمداد می‌شود. هدف: گروه‌های هویتی به‌ویژه اقوام یکی از مهم‌ترین منابع تشکیل دهنده قدرت ملی آن محسوب می‌شود. به طوری که ایران همواره سرزمین و محل زیست اقوام گوناگون بوده است. به همین جهت هدف تحقیق پاسخ به این پرسش مطرح شده است که اقوام چه ظرفیت و وزنی در ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟ روش: جامعه آماری تحقیق هفت گروه قومی فارس، کرد، لر، آذری، ترکمن، بلوچ و عرب می‌باشد. برای پاسخ به پرسش تحقیق، با استفاده از روش پژوهش ترکیبی (کمی - کیفی) و گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای (داده‌های ثانویه)، پس از استخراج ابعاد و شاخص‌های قدرت ملی و مشخص کردن ضرایب آن‌ها (توسط ۵۲ خبرگان) از روش‌های «نسبت درصدی یا استانی» و «میانگین‌گیری» برای یکسان‌سازی شاخص‌ها استفاده شد. یافته‌ها و بحث: یافته‌های پژوهش حاکی از این است که قوم فارس در مجموع ابعاد اقتصادی و منابع ۴۹ درصد از قدرت ملی را به خود اختصاص داده است. قوم ترکمن نیز با تقریباً ۳ درصد کم‌ترین وزن را در قدرت ملی به خود اختصاص داده است. نتیجه‌گیری: مساله اصلی این پژوهش برخلاف سایر پژوهش‌ها، سنجش قدرت ملی یک کشور یا چند کشور نبود، بلکه هدف آن بود که وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد سنجش قرار گیرد. یکی از علل اصلی که باعث شد این موضوع برای پژوهش برگزیده شود، این بود که ایران از دیرباز محل زیست اقوام گوناگون بوده است. به همین جهت، دشمنان این مرز و بوم درصدد سوءاستفاده از آن برآمده‌اند. در این پژوهش سعی شد تا ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ملی مورد تجزیه و تحلیلی قرار گیرد. نکات برجسته: مساله اصلی این است که برخی اقوام مانند قوم عرب که در ابعاد اقتصادی و منابع به ترتیب ۹ و ۵ درصد از قدرت ملی را تشکیل می‌دهند، نقش بارزتری در حکمرانی کشور ایفا نمایند. به عنوان مثال، مانند شرق کشور می‌توان در تامین امنیت مرزهای جنوب غربی نیز از ظرفیت آن‌ها بهره برد. این نوع راهبردها علاوه بر آن که باعث جلوگیری از سوءاستفاده قدرت‌های متخاصم می‌شود، جذب هر چه بیشتر آن‌ها در نظام را نیز در پی دارد.

ارجاع به این مقاله: محسن رستمی، حامد مهربان، محمود شیخ حسنی، ابوذر میارعباسی. سنجش و رتبه‌بندی وزن اقتصادی اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه ساماندهی اقتصاد فضا، ۲(۷)، ۱۲۹-۱۰۷.

ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهرری

© نویسندگان



* نویسنده مسئول: محسن رستمی
پست الکترونیک: mmahya1392@gmail.com

بیان مسئله

هر سرزمینی به فراخور منابع موجود خود همواره در پی حفظ و افزایش قدرت ملی خود است. بسیاری از کشورها با وجود جمعیت، وسعت و حتی منابع طبیعی و معدنی و غیره زیاد قادر به بهره‌گیری از آن در راستای افزایش قدرت ملی خود نبوده‌اند و بالعکس. یکی از نقاط اشتراک قدرت‌های بزرگ استفاده آن‌ها از ظرفیت‌های مختلف ملی بوده است. یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها، جمعیت کشورها است که اصولاً در اکثر کشورها و به‌ویژه ایران از اقوام مختلفی تشکیل شده است. وجود اقوام مختلف از یک‌سو می‌تواند باعث افزایش قدرت ملی کشور شود و از سوی دیگر قادر است بی‌ثباتی را در پی داشته باشد.

در هر کشوری گروه‌های هویتی زیادی وجود دارند که هر کدام در شکل‌گیری قدرت ملی موثر هستند. برخی از این هویت‌های عمومی مانند جنسیت (زن و مرد) در همه کشورها وجود دارند، در حالی که برخی دیگر از هویت‌ها مانند سپاهان در ایالات متحده مختص آن کشور هستند. گروه‌های هویتی قومی نیز در جامعه ایران نقش ایفا می‌کنند. در این زمینه، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که هویت ایران چندگانه و ترکیبی است (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳؛ بهشتی و حق‌مرادی، ۱۳۹۶). بر این اساس، استدلال می‌کنند که تنوع قومی در ایران پدیده‌ای نیست که به تدریج زائل شود و راه را برای ادغام در یک فرهنگ مشترک یکپارچه باز کند. مهم‌گزينش‌شيوه‌هایی از تقابل با اقوام است که بر وحدت در عین کثرت در چارچوب سرزمینی که همواره سکونتگاه اقوام گوناگون بوده است، تاکید شود (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

می‌توان گفت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران از متغیرهای مختلفی تشکیل شده است که یکی از آن‌ها اقوام مختلف است. چه بسا رژیم پهلوی دارای قدرتمندترین نیروی نظامی در منطقه بود، اما قدرت ملی آن برخلاف تصور بسیار پایین بود. بنابراین، اقوام به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر ایران شناخته می‌شود که در طول کل تاریخ آن مرکز زیست آن‌ها بوده است. این موضوع زمانی که به تاریخ امپراتوری ایران و اینکه بسیاری از کشورهای همسایه فعلی بخشی از خاک آن بوده‌اند، توجه شود، نمایان‌تر می‌گردد. با توجه به این موضوع، اکثر اقوام ایرانی در نقاط مرزی ساکن هستند.

با توجه به جدایی‌ناپذیری اقوام از تاریخ و موجودیت ایران، آن‌ها همواره بر مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی - نظامی تأثیرگذار بوده‌اند. به طوری که بسیاری از تحولات اجتماعی - سیاسی مثبت و منفی با حضور یا عدم حضور آن‌ها رقم خورده‌اند. بنابراین، به طور شاخص، به دلیل اسکان اقوام عمدتاً در مناطق مرزی و وسعت سرزمینی و... می‌توان استدلال کرد آن‌ها بر کم و کیف قدرت ملی ایران نیز تأثیرگذارند. با این حال، مشخص نیست که هر کدام از آن‌ها تا چه اندازه بر میزان و وضعیت قدرت ملی ایران موثرند. به عبارت دیگر، در حال حاضر، ما نمی‌دانیم که اقوام تا چه اندازه در قدرت ملی ایران سهم دارند. به همین جهت، سنجش وزن اقوام به طور عام در قدرت ملی و رتبه‌بندی آن‌ها، برای اتخاذ راهبرد مناسب و سیاستگذاری مطلوب و کارآمد، مساله اصلی پژوهش حاضر است. برای بررسی این مساله، پس از پرداختن به پیشینه و مبانی نظری، روش پژوهش در دستور کار قرار می‌گیرد. در گام بعدی نیز یافته‌های پژوهش در قالب توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیلی قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

تحقیقات بسیار زیادی در ارتباط با موضوعات و ابعاد مختلف قدرت ملی کشورها و به‌ویژه ایران انجام شده است. برخی از تحقیقات به دنبال پرداختن به مبانی قدرت ملی (ارائه شاخص‌ها) و یا سنجش آن بوده‌اند (حافظنیا و دیگران، ۱۳۷۸؛ اعظمی، ۱۳۸۳؛ زرقانی، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹؛ بیدالت، ۱۳۹۲؛ پیشگاهی‌فرد، حسینی و فراهانی، ۱۳۹۳؛ محسن‌زادگان، موغلی و زاهدی، ۱۳۹۶؛ خلیلی و مرادیان، ۱۳۹۷؛ چانگ، ۲۰۰۴؛ ساراجیان و عبدالله‌اف، ۲۰۱۸؛ ترورتون و جونز، ۲۰۰۵). برخی دیگر نیز سعی کرده‌اند تا تأثیرات متغیرهای مختلف را بر قدرت ملی ایران مورد سنجش قرار دهند (زرقانی، ۱۳۸۵؛ موسوی شفاپی و ایمانی، ۱۳۹۶؛ محمودزاده و قاضی، ۱۳۹۶؛ حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۸؛ مفخمی شهرستانی و نیرومند، ۱۳۹۸؛ صالح‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۱). اگرچه رابطه بین هویت و به طور خاص قومیت و ظرفیت دولت - تأمین کالاهای عمومی - در علوم اجتماعی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است (Singh and vom Hau, 2015) و برخی از پژوهشگران بر جایگاه گروه‌های قومی در پارلمان توجه دارند (Ruedin, 2009)، اما هیچکدام به وزن قومیت‌ها در قدرت ملی کشورها توجهی نکرده‌اند.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده	مساله یا سوال اصلی	روش تحقیق	سطح تحلیل	یافته
زرقانی (۱۳۸۹ و ۱۳۹۲)	سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام	کیفی-دلفی	جهانی- منطقه‌ای	- در میان ۴۳ کشور اسلامی، ایران و ازبکستان به ترتیب با کسب امتیاز ۱۰۴ و ۴۶ در رتبه‌های اول و دوم قرار دارند.
نصری (۱۳۹۱)	الگوی روش‌شناختی برای سنجش وزن حرکت‌های قومی - مذهبی	کیفی	منطقه‌ای	ارائه شاخص‌ها در قالب دو مقوله سخت‌افزاری (عمق راهبردی و...) و نرم‌افزاری (همسویی با گفتمان مسلط بین‌المللی و...)
مجیدی و حسین‌زاده (۱۳۹۴)	سازکارهای سیاسی- درونی افزایش قدرت در جمهوری اسلامی ایران	کیفی	ملی	اگر دولت از پشتوانه داخلی موثری برخوردار باشد، در آن شرایط به نحو موثرتری قادر به تامین مافع ملی خود در داخل جامعه و محیط بین‌الملل خواهد بود.
صفوی، علی‌پور و حیدری (۱۳۹۵)	اقوام چه نقشی در انسجام و تحکیم قدرت ملی دارند؟	کیفی	ملی	سیاست قومی ایران باید بومی باشد و مانع از حذف هویت خرده فرهنگ‌ها گردد.
واثق، رضائی سکه روانی و چناری (۱۳۹۶)	اقلیت‌های فضایی چه نقشی در کاهش یا افزایش قدرت ملی دارند؟	کیفی	ملی	تلفیقی از خواست اقلیت‌ها، ضعف حاکمیت ملی و همچنین حمایت‌های عوامل خارجی ممکن است نقش اقلیت‌ها را در کاهش قدرت ملی کشورها افزایش دهد.
قربی و حیدری (۱۳۹۶)	تاثیر همدلی و هم‌بازی بر استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایران	کیفی	ملی	همدلی در راستای استحکام ساخت درونی قدرت، زمینه‌های تثبیت نظام و برپایی دولت مقتدر را فراهم می‌آورد.
تلیس ^۱ ، زالوینسکی ^۲ و ویلس ^۳ (۲۰۱۵)	بررسی نقش عملکرد ملی در قدرت ملی (روابط دولت-جامعه)	کمی	منطقه‌ای	روسیه و چین به دلیل ضعف در عملکرد ملی یا روابط دولت و جامعه در معرض خطر کاهش قدرت ملی هستند.

مبانی نظری

در این بخش، نخست رابطه اقوام و قدرت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد، سپس به تیپ‌شناسی اقوام ایرانی پرداخته می‌شود.

رابطه اقوام و قدرت ملی

یکی از چالش‌های مهم وجود شکاف میان وضع موجود قدرت ملی و وضع مطلوب آن است (کلانتری و خزلی، ۱۳۹۹: ۵۴).

در کشورهایی که شکاف قومی فعال است، به طور متوسط سطوح بالاتری از قطبی‌سازی وجود دارد. این نشان می‌دهد که سطوح بالای قطبی‌سازی در جوامعی که در آن انتخابات حول تفاوت‌های قومی می‌چرخد، بیشتر رخ می‌دهد (Bradley and Chauchard, 2022: 9). در مورد منازعات قومی، تمرکززدایی ممکن است مطلوب باشد، اگر اقوام مختلف با ترجیحات متفاوت نسبت به سیاست‌های عمومی مشخص شوند (Tranchant, 2011: 3). به عبارت دیگر، باید متناسب با قدرت‌شان به آن‌ها خودمختاری اعطا کرد. در مقابل، «برخی بدون در نظر گرفتن قدرت اقوام تاکید می‌کنند که تعادل بین مرکز و پیرامون یا ترتیبات خودمختاری قومی در هر شرایطی باید اعمال شود» (Anderson and Costa, 2016: 516).

¹ Tellis

² Szalwinski

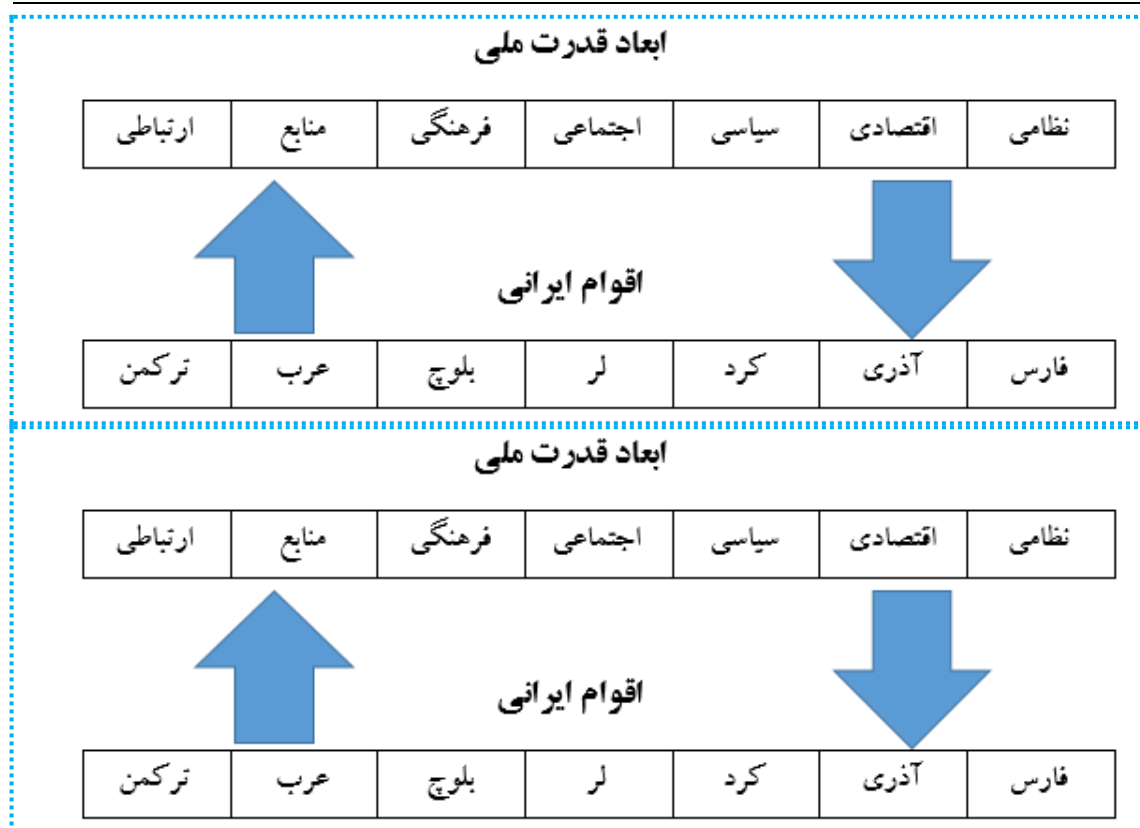
³ Wills

با توجه به موضوعات فوق، مسلماً وزن اقوام در قدرت ملی نیز بسیار تعیین کننده هستند. پیش فرض بهره‌گیری از ظرفیت اقوام در قدرت ملی اتحاد ملی می‌باشد. اتحاد ملی و انسجام اسلامی هم موضوع محور است و هم موقعیت محور می‌باشد. از منظر معنایی و مفهومی هم پی‌بن آن به «قدرت ملی» ارجاع می‌دهد؛ همچنین بافت موقعیتی، نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» یا وحدت اصلی‌ترین نیاز برای «تحکیم قدرت ملی» به حساب آید. وحدت، که به زبان انگلوساکسون با واژه یونیتی آمده است، از دو ویژگی اساسی یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی (همگرایی) برخوردار است. پژواک جامعه‌شناختی مفهوم هم‌گرایی در ادبیات سیاسی، «یگانگی اجتماعی» است. یگانگی در ساحت حیات ملی، حالت فربه‌شده، گسترش‌یافته و تعمیق‌پذیرفته هویت ملی را به تصویر می‌کشد که از تونل وحدت و وفاق می‌گذرد و در سرای پرده «خرد سیاسی» استحکام می‌پذیرد. به همین جهت، باید در عین آنکه اتحاد ملی را اتم قدرت ملی یک کشور دانست، اولین و مهم‌ترین منطقه هدف در خط و مشی اجرایی یاد شده، متوجه عرصه سیاست داخلی کشور و متمرکز بر ایجاد بحران کارآمدی براساس ایجاد سه شکاف عمده ملت - دولت، دولت - دولت (شکاف بین نخبگان سیاسی)، و ملت - ملت (قومیت‌گرایی و فرقه‌گرایی) است. در میان این سه‌گانه‌های هدفمند، شکاف ملت - دولت، متوجه ایجاد بحران در کارآمدی حکومت - دولت برای پاسخگویی به نیازهای واقعی و خواسته‌های حقیقی ملت است تا در پرتو پاسخگو نبودن دولت به این نیازها، در فصل «انتظار انقلابی» شکاف ملت - دولت افزایش یابد. در راستای این هدف‌گذاری است که دو شکاف دولت - دولت و ملت - ملت، در مقام شکاف‌های تقویت‌کننده و تشدیدساز شکاف نخست، متوجه ایجاد وضعیت «اتلاف انرژی» نخبگان سیاسی در کشور است؛ تا در سایه آن شکاف محوری ملت - دولت افزایش یابد. این شکاف‌های کلان و خرد در دو سطح دولت - دولت و ملت - ملت، تحکیم‌بخش شکاف محوری ملت - دولت و با هدف گسترش و ژرف‌بخشی به اتلاف انرژی نخبگان سیاسی و به دنبال آن، هجمه به بنیاد قدرت ملی ایران می‌باشد؛ تا با تضعیف حکومت در پاسخگویی به مردم، «اتحاد ملی» را خدشه‌دار سازد (مطهرنیا، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴).

اگر مسائل مربوط به اقوام حل‌وفصل نگردد، علاوه بر آن که نمی‌توان از ظرفیت آن‌ها برای تقویت قدرت ملی ایران بهره برد، می‌تواند زمینه نفوذ خارجی‌ها را نیز در پی داشته باشد که این امر نیز قدرت ملی ایران را کاهش می‌دهد. اهمیت توجه به این مساله از بیانات مقام معظم رهبری هویدا است:

ما برای مسائل اقتصادی کشور همه تلاشمان بایستی متمرکز باشد بر روی مسائل داخلی؛ آن پیشرفتی، آن گشایشی ارزش دارد که متکی باشد به قدرت درونی یک ملت. یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از اخم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود؛ این را باید ما حل کنیم. همه حرف ما با مسئولین - چه مسئولین گذشته، چه مسئولین امروز - همین است که باید برای گشایش مسائل و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد. ما در کشور ظرفیت‌های زیادی داریم؛ از ظرفیت‌های این ملت که عبارت است از هم امکانات انسانی، هم امکانات طبیعی، هم امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه‌ای باید استفاده کرد (بیانات، ۱۳۹۲/۸/۱۲).

ملتی که روابط قومی خوبی داشته باشد، قادر خواهد بود از طریق یکپارچگی داخلی مثبت، انسجام شهروندان خود را به طور مستمر تقویت کند تا هزینه‌های اداری و عملیاتی کاهش یابد، کارایی سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی افزایش یابد و قدرت ملی تقویت شود. در کشوری که در آن سیاست، اقتصاد و فرهنگ در حال تحولات مثبت است، همه اقوام از مزایای حاصل از یک اقتصاد مرفه و یک جامعه هماهنگ برخوردار خواهند شد. اگرچه توزیع کاملاً برابری خواهانه منافع بین همه اعضا تقریباً غیرممکن است، تا حد زیادی همه اقوام «برنده» در این فرایند هستند. از سوی دیگر، ملتی با روابط ضعیف قومی دچار تشتت و از هم گسیختگی اجتماعی فزاینده ناشی از تضادهای داخلی و به دنبال آن افزایش آشکار هزینه‌های اجتماعی در قالب پول و نیروی انسانی خواهد شد که کاهش قدرت ملی را در پی خواهد داشت (Rong, 2010: 6831-6832). با توجه به ابعاد مختلف قدرت ملی و اقوام هفت‌گانه در ایران، می‌توان مدل مفهومی تحقیق حاضر را در قالب شکل زیر نشان داد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

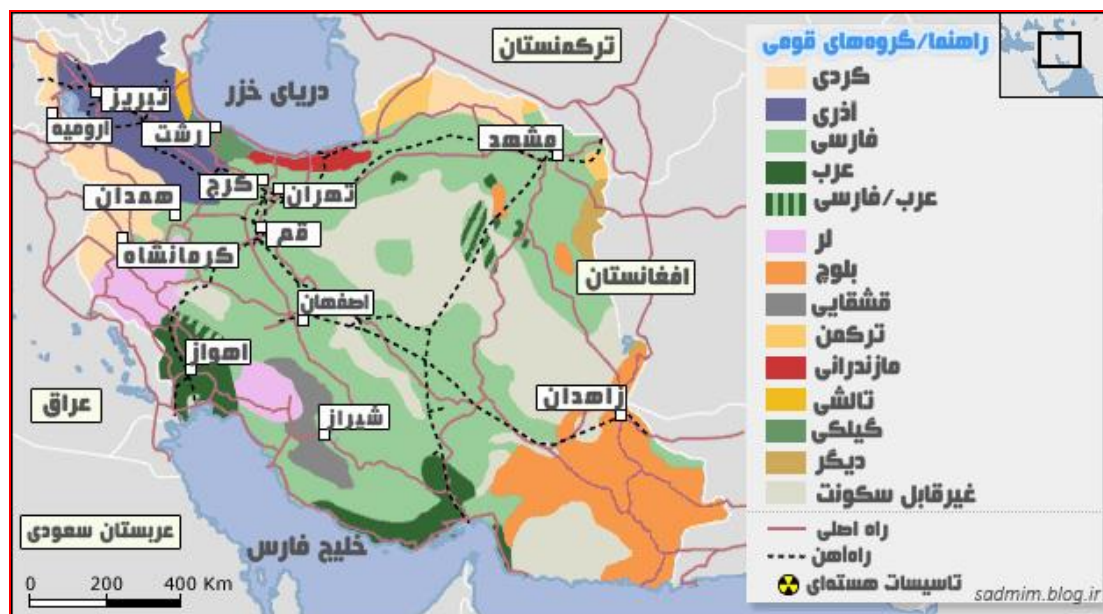
تپ‌شناسی اقوام در ایران

در این بخش، نخست به معیارهای تعیین کننده اقوام و سپس به کلیات جمعیت آن‌ها در ایران پرداخته می‌شود.

معیارهای تعیین کننده اقوام

در میان محققان، نگرش واحدی نسبت به اقوام وجود ندارد و همه بر سر ملاک‌های تعیین کننده آن توافق ندارند. از نظر برخی محققان، نژاد، ملاک معتبر برای اقوام بوده و از نظر دیگران، مذهب یا زبان معیار، قابل اعتنا است. به نظر می‌رسد که تعریف اقوام بیشتر به سلیقه و نگرش محقق بستگی دارد تا وجود ملاک‌های قابل قبول برای همه (بهرامی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۶۵۰).

در بررسی اقوام در ایران عمدتاً به سه عنصر زبان، قومیت و مذهب توجه شده است (ابراهیمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۲-۱۶۵؛ پیشگاهی‌فرد و امیدی‌آوج، ۱۳۸۸: ۵۱). برخی دیگر بر دو عنصر مذهب و زبان تمرکز کرده‌اند (برزگر و دیگران، ۱۳۹۸). بر اساس معیارهای فوق، برخی از محققان مهم‌ترین گروه‌های قومی زبانی در ایران را اقوام فارس، ترک، گُرد، عرب، بلوچ و ترکمن تشکیل می‌دهند (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱). حاجیانی (۱۳۸۷: ۱۵۵) در پژوهش خود اقوام شش‌گانه گُرد، لُر، بلوچ، آذری، عرب و ترکمن را مورد توجه قرار داده است. در این پژوهش با معیار قرار دادن زبان و قومیت، هفت گروه قومی در ایران مورد توجه قرار می‌گیرند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.



شکل ۲: پراکندگی اقوام در ایران منبع: (دیتاویز، ۱۳۹۱)

جمعیت اقوام

با وجود جمعیت قابل توجهی از اقوام در ایران، هیچ اطلاعات رسمی در ارتباط با جمعیت آن‌ها قابل دسترس نیست. به همین جهت، وجود این نوع محدودیت‌ها در ارتباط با اقوام به‌ویژه جامعه علمی را برای پیشبرد تحقیقات علمی و کمک به فرایند سیاستگذاری با چالش مواجه می‌سازد. اما ذکر این نکته مهم است که این موضوع نشانه خوب و روشنی از این است که جمهوری اسلامی ایران به همه مردم ایران به عنوان شهروندان و افراد برابر می‌نگرد. بنابراین، تفاوتی بین اکثریت جمعیت ایران یعنی فارس و سایر اقوام وجود ندارد.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، مراکز خارجی و داخلی و حتی برخی پژوهشگران اعداد و ارقام مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند. اما هیچکدام از منابع مذکور به دلیل میدانی نبودن داده‌ها از یک سو و رسمی نبودن آن‌ها از سوی دیگر، قابل استناد و معتبر نیستند.

شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۲) که زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است، در پژوهشی با عنوان «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتي)»، نسبت به ارائه اطلاعات و داده‌های اقوام در هر استان اقدام کرد. شرکت «پژوهشگران خبره پارس» به سفارش شورای فرهنگ عمومی این پژوهش را در تمام استان‌های کشور (بررسی میدانی و یک جامعه آماری از میان ساکنان ۲۸۸ شهر و حدود ۱۴۰۰ روستا) انجام داده است. بنابراین، معتبرترین و تا حدودی رسمی‌ترین داده‌هایی است که در ارتباط با اقوام در ایران وجود دارد.

جدول ۲: جمعیت اقوام ایران از دیدگاه منابع مختلف داخلی و خارجی

اقوام / منبع	مرکز «مرور جمعیت جهانی» ^۱ (۲۰۲۳)	جهانی‌راد و دیگران (۱۴۰۱)	طرفداری (۱۴۰۳)	جعفری (۱۳۹۷)	خبرگزاری برنا (۱۴۰۲)	شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۲)
فارس	۶۱	۵۱	۳۸	۶۱	۵۱	۵۰
کرد	۱۰	۸	۹	۱۰	۱۰	۱۱
لُر	۶	۳	۹	۶	۱۰	۱۱
بلوچ	۲	۲	۲	۲	۲	۳
آذری	۱۶	۲۴	۲۶	۱۶	۱۵	۱۸
ترکمن	۲	۱	۱	۲	۲	۱
عرب	۲	۳	۲	۲	۲	۱
سایر	۱	۸	۱۳	۱	۹	۵

منبع: محقق ساخته

از آنجا که این داده‌ها تقریباً بیش از یک دهه پیش تهیه شده است، درصدهایی که شورای فرهنگ عمومی کشور ارائه داده است با توجه به آخرین سرشماری کشور (سال ۱۳۹۵) به روز شد. همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، وقتی درصدی اقوام مختلف در استان‌های کشور جمع شد، قوم فارس و ترکمن به ترتیب با ۲/۳ و ۳۴/۱۵۴۶ بیشترین و کمترین جمعیت را به خود اختصاص دادند.

جدول ۳: جمعیت ایران به تفکیک اقوام

اقوام	فارس	عرب	لُر	آذری	بلوچ	کرد	ترکمن	سایر	جمع
جمع	۱۵۴۶/۲	۳۸	۳۴۸/۱	۵۷۱/۲	۸۲	۲۵۳/۵	۳۴	۱۲۷	۳۱۰۰
درصد	۴۹/۸۸	۱/۲۳	۱۱/۲۳	۱۸/۴۳	۲/۶۵	۱۱/۴۰	۱/۱۰	۴/۱۰	۱۰۰

پراکندگی اقوام در استان‌های مختلف

اهمیت محاسبه وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت استانی و در نظر گرفتن اقوام به صورت یک کل با ذکر یک مثال توضیح داده می‌شود. بر اساس داده‌های جدول شماره ۲، اقوام فارس و کرد به ترتیب ۵۰ و ۱۱ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. طبق داده‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۱)، تولید ناخالص داخلی کل کشور ۸۰۰ هزار میلیارد تومان و سهم استان‌های تهران و کردستان به ترتیب ۲۲ و ۱ درصد است. اگر طبق جمعیت اقوام به صورت یک کل و بدون در نظر گرفتن جمعیت آن‌ها در هر استان، وزن اقوام مذکور در تولید ناخالص داخلی مورد سنجش قرار می‌گرفت، سهم اقوام فارس و کرد به ترتیب ۴۰۰ هزار میلیارد تومان و ۸۸ هزار میلیارد تومان می‌شد. اما از آنجا که استان تهران و کردستان سهم نامتناسب و مختلفی از تولید ناخالص داخلی دارند، باید سهم اقوام به همان نسبت مورد محاسبه قرار گیرد.

با توجه به ملاحظات فوق، در این پژوهش سهم اقوام از قدرت ملی به صورت استانی محاسبه شد. بدین صورت که ۶۵ درصد استان تهران را فارس‌ها تشکیل می‌دهند و ۲/۵۰ درصد نیز سهم کردها است. در کردستان نیز ۹۰ درصد جمعیت کرد است و فارس‌ها جمعیتی ندارند. بنابراین، ۲۲ درصد از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان ۱۷۶ هزار میلیارد تومان می‌شود. ۱ درصد از کل تولید ناخالص داخلی ایران که سهم استان کردستان است نیز ۸ هزار میلیارد تومان می‌شود. در ادامه، از آنجا که سهم اقوام فارس و کرد در تهران و کردستان مشخص است، متناسب با سهمشان از سهم دو استان در تولید ناخالص داخلی به خود اختصاص می‌دهند. در نتیجه، در تهران ۱۱۴ هزار ۴۰۰ میلیارد سهم قوم فارس و ۱۹ هزار و ۳۶۰ میلیارد نیز سهم قوم کرد است. در کردستان نیز ۷ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از مجموع ۸ هزار میلیارد تومان سهم قوم کرد است. بنابراین، اگر سهم دو قوم را جمع کنیم، سهم قوم کرد از

^۱ World Population Review

تولید ناخالص داخلی ایران ۲۶ هزار و ۵۶۰ میلیارد تومان و سهم قوم فارس نیز ۱۱۴ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان است. برای همه شاخص‌های به جز شاخص‌های کیفی این فرمول به کار برده می‌شود.

یکی دیگر از دلایل انتخاب مبنای استانی این است که داده‌های بسیاری از شاخص‌ها در ایران مانند توسعه انسانی، نرخ بیکاری، تورم و غیره به صورت استانی اعلام می‌شوند. بنابراین، از آنجا که اقوام نیز در استان‌های مختلف پراکنده هستند، نمی‌توان وزن آن‌ها محاسبه کرد. اگرچه متخصصان و نخبگان برای هر شاخص می‌توانند امتیازی را در نظر بگیرند، اما یافتن نخبه‌ای که در زمینه تمامی شاخص‌های قدرت ملی از یک سو و آگاهی از پراکندگی و نقش اقوام از سوی دیگر باشد، بسیار دشوار است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش ترکیبی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق هفت گروه قومی فارس، آذری، لر، کُرد، عرب، بلوچ و ترکمن می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه جمع‌آوری می‌گردد. شاخص‌های زیادی در ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی با مراجعه به خبرگان انتخاب شده است.

در ارتباط با تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌توان گفت با توجه به ماهیت تحقیق، برای سنجش وزن گروه‌های هویتی قومی و رتبه‌بندی آن‌ها در قدرت ملی ایران، از روش ماتریسی بهره برده می‌شود. به طوری که داده‌ها و اطلاعات عوامل و شاخص‌های مختلف جداگانه و به صورت تفکیک شده برای تمامی گروه‌های هویتی قومی جمع‌آوری و در جداول ماتریسی درج و امتیازات آن‌ها محاسبه می‌گردد. سپس از مجموع امتیازات، وزن آن‌ها در قدرت ملی مشخص می‌شود. در پی آن، بر اساس امتیازات مشخص شده، نسبت به رتبه‌بندی آن‌ها نسبت به سهمی که در قدرت ملی ایران دارند، اقدام می‌شود.

شاخص‌های سنجش و رتبه‌بندی اقوام در ابعاد مختلف قدرت ملی ایران بر اساس نظر نخبگان احصا می‌شود. پس از احصا شاخص‌ها و برآورد پایایی و روایی آن‌ها به ترتیب براساس آزمون آلفای کرونباخ و نظر کارشناسان، ظرفیت و وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد سنجش قرار می‌گیرد.

فرایند انتخاب شاخص‌های قدرت ملی بدین صورت بوده است که در مرحله نخست، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی، ۳۱ شاخص انتخاب شد که در مصاحبه با خبرگان قدرت ملی، به ۱۶ شاخص کاهش پیدا کردند. در جدول شماره ۵، شاخص‌های نهایی انتخاب شده برای سنجش وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد اقتصادی و منابع و همچنین منابع آن‌ها نشان داده شده است. یک شاخص منبع مشخصی (دسترسی به آب‌های آزاد) ندارد. به طوری که نویسنده با مرور منابع مختلف و کمک گرفتن از متخصصان به‌ویژه اساتید دانشگاه عالی دفاع ملی، پس از استخراج مساحت آن‌ها نسبت به یکسان‌سازی اقدام کرد. در اینجا نیز فرمول استانی لحاظ گردید. مثلاً در در سیستان و بلوچستان، هر قوم نسبت به سهم جمعیتی خود امتیازی در این شاخص کسب کردند. داده‌های سایر شاخص‌ها نیز از مراکز معتبر رسمی عمدتاً داخلی مانند مرکز آمار ایران، وزارت نفت، کشور و غیره اخذ شده است.

پرسشنامه ضرایب ابعاد و شاخص‌های قدرت ملی

قبل از اقدام کردن به محاسبه وزن اقوام در ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران طبق ماتریسی که شرح داده شد، نخست باید مشخص شود که ضریب شاخص‌های انتخاب شده چقدر است. همه شاخص‌های اقتصادی و منابع قدرت ملی به یک اندازه اهمیت ندارند و برخی از آن‌ها اهمیت بیشتری دارند. برای مشخص کردن ضرایب این شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) طراحی شد که در آن خبرگان نسبت به مشخص کردن ضرایب اقدام کردند.

اطمینان از صحت ابزار گردآوری داده‌ها

روایی پرسشنامه توسط متخصصان و صاحب‌نظران حوزه قدرت ملی انجام شد. به طوری که در مرحله روایی صوری، پرسشنامه سه بار بر اساس نظر متخصصان مورد بازبینی قرار گرفت و برخی شاخص‌های قدرت ملی حذف و برخی اضافه شده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۴ نشان داده شده است، آلفای کرونباخ کل سوالات ابعاد اقتصادی و منابع ۰/۷۹۴ است که حکایت از پایایی قابل قبول پرسشنامه دارد.

جدول ۴: ابعاد قدرت ملی و آزمون آلفای کرونباخ

ابعاد قدرت	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ استاندارد شده	تعداد سوالات
اقتصادی	۰/۶۷۴	۰/۶۵۱	۶
منابع	۰/۷۵۵	۰/۷۷۶	۱۰
کل سوالات	۰/۷۹۴	۰/۸۰۸	۱۶

روش یکسان‌سازی داده‌ها

یکی از مشکلاتی که برای سنجش وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، تفاوت در مقیاس و طیف و حتی نوع داده‌های شاخص‌های مختلف است. به طوری که داده‌های تعدادی از شاخص‌ها مانند تولید ناخالص داخلی به صورت استانی از سوی مرکز آمار و سایر مراکز معتبر داخلی ارائه می‌شود. برخی دیگر از شاخص‌ها نیز مانند میادین نفتی و گازی تعداد محور هستند یعنی باید شمارش شوند و سپس به درصد تبدیل گردند. داده‌های برخی دیگر از شاخص‌ها نیز مانند تولید برق، بر مبنای ظرفیت تولید یا «مگاوات ساعت» ارائه شده است.

از آنجا که داده‌ها و اطلاعات بیشتر شاخص‌های مذکور به صورت تفکیک شده و استانی ارائه می‌شد، مبنای محاسبه نیز استانی قرار گرفت. به عنوان مثال، در شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی سهم هر استان از کل تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه می‌شود. به طوری که بر اساس داده‌های مرکز آمار، تهران در سال ۱۴۰۱ تقریباً ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده بود. با این حال، در برخی شاخص‌ها سهم هر استان از کل کشور محاسبه نمی‌شود، بلکه هر استان صد در صد در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در شاخص تورم یا بیکاری داده‌های هر استان از صد محاسبه می‌شود. برای حل این مساله، در شاخص‌هایی که سهم استان از کل کشور یعنی از صد محاسبه می‌شوند، سهم هر استان همان در نظر گرفته می‌شود و در نهایت، مجموع امتیازات هر قوم در همه استان‌ها جمع و سهم آن از کل کشور مشخص می‌گردد. به عنوان مثال، سهم استان تهران از تولید ناخالص داخلی کل کشور ۲۲/۱۰ درصد است. این عدد تقسیم بر صد می‌شود که عدد حاصل ۰/۲۲۱ است. سپس این عدد ضرب در سهم جمعیتی هر قوم در استان می‌شود. به عنوان نمونه از آنجا که جمعیت لر و عرب در تهران به ترتیب ۵۷ و ۲۲ درصد است، پس از ضرب عدد ۰/۲۲۱ در جمعیت اقوام فوق به ترتیب ۱۲/۶۰ و ۴/۸۶ حاصل می‌شود. این عدد به این معنی است که از ۲۲/۱۰ که سهم استان تهران بود، ۱۲/۶۰ درصد سهم قوم لر و ۴/۸۶ درصد سهم قوم عرب است. بنابراین، در شاخص تولید ناخالص داخلی این روند برای همه استان‌ها اعمال می‌شود. در نهایت، سهم اقوام در کل استان‌ها جمع می‌شود و مشخص می‌شود که از مجموع قدرت ملی هر قوم چند درصد سهم می‌برد. بدین طریق در تمامی شاخص‌های مشابه این روش اعمال می‌شود.

در شاخص‌هایی که سهم آن‌ها از کل کشور مشخص نیست، دو نوع داده وجود داشته است. دسته اول تعداد محور بودند. حتی شاخص‌هایی مانند مساحت و میزان تولید برق استان‌ها نیز وجود داشته است که در این زمره قرار می‌گیرند. در این موارد، مجموع کل تعداد در شاخص مورد نظر جمع می‌شود. سپس سهم هر استان تقسیم بر عدد مذکور می‌شود. در گام بعد عدد حاصله در صد ضرب می‌شود. بدین طریق سهم هر استان به صورت نسبت درصدی مشخص می‌شود. به عنوان مثال، مساحت کل ایران مشخص است. همچنین مساحت استان‌ها نیز به صورت تفکیک شده وجود دارد. پس از تقسیم مساحت یک استان در کل مساحت ایران، عددی حاصل می‌شود. پس از اینکه عدد مذکور در صد ضرب شود، سهم هر استان از مساحت کل مشخص می‌شود.

در دسته دوم شاخص‌ها، سهم هر استان مشخص نیست و هر استان به نوعی یک مجموعه یا کل در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در شاخص بیکاری سهم هر استان بدون در نظر گرفتن کل کشور اعلام می‌شود. به همین جهت، در اینجا دیگر نمی‌توان مانند شاخص‌های دسته نخست نسبت به محاسبه درصد استان‌ها مبادرت ورزید. علاوه بر این، نمی‌توان با قطعیت گفت که مثلاً

درصد بیکاری اقوام آذری یا فارس در هر استان چند درصد است. به همین جهت، برای تمام اقوام حاضر در استان، درصد بیکاری استان لحاظ می‌شود. در نهایت، برای اقوام در کل استان‌ها میانگین گرفته می‌شود و پس از جمع میانگین اقوام و تقسیم امتیاز هر قوم در مجموع میانگین، سهم هر قوم مشخص می‌شود. به عنوان نمونه، میانگین بیکاری قوم فارس، عرب، لر، آذری، بلوچ، کُرد و ترکمن به ترتیب ۹، ۷، ۶، ۱۳، ۱۶، ۱۰ و ۱۱ بوده است. مجموع این میانگین‌ها ۷۲ می‌شود. هنگامی که سهم بیکاری هر قوم در میانگین تقسیم شود، عدد حاصله سهم و درصد بیکاری اقوام را مشخص می‌کند. وقتی ۹ تقسیمبر ۷۲ شود، ۸ می‌شود که درصد بیکاری قوم فارس است.

تعدادی داده نیز منفی بوده‌اند (تورم، بیکاری و ضریب جینی). در این شاخص‌ها نیز دقیقاً همان روشی به کار می‌رود که در دسته دوم داده‌ها مورد بحث قرار گرفت. با این تفاوت که پس از مشخص کردن سهم استان‌ها و مرحله میانگین گرفتن برای اقوام، عدد حاصله باید از صد کم شود. سپس مانند روال سابق پس از حاصل جمع مجموع میانگین‌ها، میانگین هر قوم در مجموع کل تقسیم می‌شود و مقدار به دست آمده در صد ضرب می‌شود. به عنوان نمونه، در شاخص تورم، میانگین قوم فارس در کل استان‌ها ۴۶/۴۶ می‌شود. وقتی این میانگین را از صد کم کنیم، ۵۳/۵۴ به دست می‌آید. وقتی این فرایند را برای تمام اقوام انجام دادیم، میانگین هر استان تقسیم بر مجموع میانگین‌های اقوام می‌شود و در عدد صد ضرب می‌شود.

به طور کلی، از دو روش برای یکسان‌سازی داده‌ها استفاده شده است که عبارتند از: روش میانگین‌گیری و روش سهم هر استان در شاخص مورد نظر (نسبت درصدی). از آنجا که هر کدام از دو روش فوق توضیح داده شده است، به این پرداخته می‌شود که هر کدام از ۱۶ شاخص انتخاب شده در این پژوهش در کدام دسته قرار می‌گیرند.

جدول ۵: روش یکسان‌سازی شاخص‌های قدرت ملی

ابعاد	شاخص	روش یکسان‌سازی	منابع
اقتصادی	تولید ناخالص داخلی	نسبت درصدی	مرکز آمار ایران
	سرانه بودجه	نسبت درصدی	سازمان برنامه و بودجه کشور
	تورم	میانگین‌گیری	سازمان برنامه و بودجه کشور
	بیکاری	میانگین‌گیری	سازمان برنامه و بودجه کشور
	صادرات	نسبت درصدی	مرکز آمار ایران
	ضریب جینی	میانگین‌گیری	مرکز آمار ایران
	مساحت	نسبت درصدی	ایرانیجو
	نفت	نسبت درصدی	وزارت نفت
	گاز	نسبت درصدی	وزارت نفت
	تولید برق	نسبت درصدی	سامانه صبا (صنایع بالادستی ایران)
منابع	آب شیرین	میانگین‌گیری	شبکه تشکل‌های مردم نهاد محیط زیست و منابع طبیعی کشور با همراهی گروه مهندسی - اجتماعی آب‌انگاه
	مراعات و جنگل	نسبت درصدی	دفتر مهندسی و مطالعات سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور
	میزان بارندگی	نسبت درصدی	مرکز آمار ایران
	دسترسی به آب‌های آزاد	نسبت درصدی	محاسبه توسط محقق
	تولید محصولات کشاورزی	نسبت درصدی	مرکز آمار ایران
	دامداری	نسبت درصدی	مرکز آمار ایران

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو قسمت توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیلی قرار می‌گیرند.

یافته‌های توصیفی

در این قسمت جنسیت، رشته و مدارک تحصیلی و غیره پاسخگویان یا حجم نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جنسیت

همان‌طور که در جدول شماره ۶ قابل مشاهده است، از بین ۵۲ پرسش شونده‌ای که به پرسشنامه پاسخ دادند ۴۱ نفر مرد و ۱۱ نفر زن بودند.

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جامعه نمونه تحقیق به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۴۱	۷۸/۸۵
زن	۱۱	۲۱/۱۵
جمع کل	۵۲	۱۰۰

سن

۱۵ نفر از پاسخگویان ۳۰ تا ۴۰ ساله بودند که تقریباً ۲۹ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. در رتبه دوم، پاسخگویانی با سن ۴۰ تا ۵۰ قرار داشتند که ۱۳ نفر را شامل می‌شدند. این دسته از پاسخگویان ۲۵ درصد از پاسخگویان یا جامعه نمونه را تشکیل داده‌اند. در رتبه سوم، پاسخگویانی با کمتر از ۳۰ سال حضور داشتند که کمی بیش از ۱۹ درصد از جامعه نمونه را شامل می‌شدند. در رتبه چهارم نیز پاسخگویانی با ۵۰ تا ۶۰ تعداد ۹ نفر بودند که کمی بیش از ۱۷ درصد از جامعه را تشکیل داده‌اند. ۳ نفر یا تقریباً ۶ درصد از جامعه نمونه نیز افرادی با سن بین ۶۰ تا ۷۰ سال بودند. در نهایت، ۲ نفر یا تقریباً ۴ درصد از جامعه نمونه نیز سن خود را اعلام نکرده‌اند.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جامعه نمونه تحقیق به تفکیک سن

سن پاسخ‌گویان	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰ >	۱۰	۱۹/۲۳
۳۰-۴۰	۱۵	۲۸/۸۵
۴۰-۵۰	۱۳	۲۵
۵۰-۶۰	۹	۱۷/۳۱
۶۰-۷۰	۳	۵/۷۷
اعلام نشده	۲	۳/۸۴
جمع	۵۲	۱۰۰

مدرک تحصیلی

همان‌طور که در جدول شماره ۸ قابل مشاهده است، ۲۹ نفر از جامعه نمونه مدرک تحصیلی دکترا داشته‌اند. تعداد دانشجویان دکتری نیز ۱۱ نفر به ثبت رسیده است. سهم مدارک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز به ترتیب ۳ و ۷ نفر بوده است. در نهایت، مدرک تحصیلی ۲ نفر نیز اعلام نشده است.

جدول ۸: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جامعه نمونه تحقیق به تفکیک مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۳	۵/۷۷
کارشناسی ارشد	۷	۱۳/۴۶
دانشجوی دکترا	۱۱	۲۱/۱۵
دکترا	۲۹	۵۵/۷۷
نامشخص	۲	۳/۸۵
جمع	۵۲	۱۰۰

رشته تحصیلی

همان‌طور که در جدول شماره ۹ نشان داده شده است، رشته تحصیلی ۱۰ نفر از پاسخگویان نظامی بوده‌اند. نظامی به این معنا که در دانشگاه عالی عالی دفع ملی مشغول فعالیت بودند. ۱۲ نفر دیگر از جامعه نمونه را افرادی تشکیل داده‌اند که در رشته علوم سیاسی مشغول فعالیت هستند. رشته‌های روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی در رتبه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۸ و ۷ نفر از جامعه نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین رشته تحصیلی ۵ نفر از جامعه نمونه نیز مطالعات امنیتی بوده است. در نهایت، سهم رشته‌های تحصیلی اقتصاد سیاسی و سایر نیز به ترتیب ۶ و ۴ نفر بودند.

جدول ۹: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جامعه نمونه تحقیق به تفکیک رشته تحصیلی

زمینه شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
نظامی	۱۰	۱۹/۲۳
مطالعات امنیتی	۵	۹/۶۲
علوم سیاسی	۱۲	۲۳/۰۸
روابط بین‌الملل	۸	۱۵/۳۸
جغرافیای سیاسی	۷	۱۳/۴۶
اقتصاد سیاسی	۶	۱۱/۵۴
سایر	۴	۷/۶۹
جمع	۵۲	۱۰۰

قومیت پاسخ‌دهندگان

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ قابل مشاهده است، قوم فارس با ۳۳ درصد از پاسخگویان جامعه نمونه اکثریت را به خود تشکیل داده‌اند. با توجه به جمعیت زیاد آن‌ها نسبت به سایر اقوام مورد مطالعه نیز تا حدودی طبیعی است که فراوانی آن‌ها در جامعه نمونه نیز نسبت به سایر اقوام بیشتر باشد. فراوانی اقوام آذری، کُرد و لر در جامعه نمونه به ترتیب ۹، ۷ و ۶ نفر به ثبت رسیده است. فراوانی اقوام ترکمن، بلوچ، عرب و سایر اقوام نیز در جامعه نمونه به ترتیب ۳، ۴، ۲ و ۲ نفر بوده است.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جامعه نمونه تحقیق به تفکیک قومیت

قومیت	فراوانی	درصد فراوانی
فارس	۱۷	۳۲/۶۹
آذری	۹	۱۷/۳۱
کُرد	۷	۱۳/۴۶
لُر	۶	۱۱/۵۴
ترکمن	۳	۵/۷۷
بلوچ	۴	۷/۶۹
عرب	۴	۷/۶۹
سایر	۲	۳/۸۵
جمع	۵۲	۱۰۰

یافته‌های تحلیلی

در این قسمت، یافته‌ها در زمینه رتبه‌بندی ابعاد قدرت ملی، توصیف آماره‌های هر یک از شاخص‌های پرسشنامه و وزن آن‌ها در ابعاد هفت‌گانه قدرت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

رتبه‌بندی ابعاد قدرت ملی

وقتی پاسخ جامعه نمونه به سوالات پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، همان‌طور که در جدول شماره ۱۱ نیز قابل مشاهده است، بُعد اقتصادی و منابع قدرت ملی به ترتیب میانگین امتیاز ۵۰/۷۰ و ۴۹/۳۰ را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱۱: وزن، درصد و رتبه ابعاد قدرت ملی

ابعاد	وزن	درصد	رتبه
اقتصادی	۳/۶۲	۵۰/۷۰	۱
منابع	۳/۵۲	۴۹/۳۰	۲

توصیف آماره‌های هر یک از شاخص‌های پرسشنامه

از حیث توصیف آماره‌های هر یک از شاخص‌های قدرت ملی، تعداد جامعه نمونه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر مورد توجه قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول شماره ۱۲ نشان داده شده است، حداقل برخی شاخص‌ها ۱ و حداکثر برخی دیگر ۵ بوده است. البته در این بین حداقل شاخص دسترسی به آب‌های آزاد ۳ بوده است که نشان از اهمیت و ارزش این شاخص در قدرت ملی و سهم اقوام دارد. همچنین شاخص مساحت با ۱/۳۰۱۵ بیشترین و دسترسی به آب‌های آزاد با ۰/۶۰۳۲ کمترین انحراف معیار را داشته است.

جدول ۱۲: توصیف آماره‌های هر یک از شاخص‌های پرسشنامه

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
تولید ناخالص داخلی	۵۲	۴/۳۸	۰/۸۱۳۳	۲	۵
سرنانه بودجه	۵۲	۳/۸۸	۰/۸۹۱۳	۱	۵
تورم	۵۲	۳/۰۸	۱/۲۰۶۵	۱	۵
بیکاری	۵۲	۳/۱۵	۱/۱۵۰۰	۱	۵
صادرات	۵۲	۴/۱۳	۰/۹۸۱۱	۱	۵
ضریب جینی	۵۲	۳/۰۶	۱/۰۹۹۲	۱	۵
مساحت	۵۲	۳/۸۱	۱/۳۰۱۵	۱	۵
نفت	۵۲	۳/۷۷	۰/۹۷۳۰	۲	۵
گاز	۵۲	۳/۴۶	۱/۱۳۴۵	۱	۵
تولید برق	۵۲	۲/۹۶	۰/۹۶۰۰	۱	۵
آب شیرین	۵۲	۳/۴۸	۱/۰۲۸۳	۱	۵
مراعات و جنگل	۵۲	۳/۳۷	۱/۰۵۶۶	۱	۵
میزان بارندگی	۵۲	۳/۰۲	۰/۹۷۰۵	۱	۵
دسترسی به آب‌های آزاد	۵۲	۴/۵۴	۰/۶۰۳۲	۳	۵
تولید محصولات کشاورزی	۵۲	۳/۶۰	۰/۹۸۵۷	۲	۵
دامداری	۵۲	۳/۱۷	۰/۹۷۵۱	۱	۵

وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت وزن اقوام در ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی به صورت تفکیک شده مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت نیز سهم اقوام از مجموع آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

وزن اقوام در بُعد اقتصادی قدرت ملی

همان‌طور که در جدول شماره ۳۰ نشان داده شده است، در شاخص تولید ناخالص داخلی قوم فارس با در اختیار داشتن تقریباً ۵۶ درصد رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. در مقابل، قوم ترکمن نیز با ۳۷/۰ درصد رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. قوم آذری نیز با ۱۵ درصد در رتبه دوم قرار گرفته است. سهم سایر اقوام کمتر از ۱۰ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که از این حیث توازن در قدرت ملی ایران وجود ندارد.

در شاخص سرنانه بودجه، اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با ۵۴ و تقریباً ۱ درصد بیشترین و کمترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. به جز قوم آذری که بیش از ۱۷ درصد از سرنانه بودجه را به خود اختصاص داده است، همانند شاخص تولید ناخالص داخلی، سهم سایر اقوام کمتر از ۱۰ درصد می‌باشد که نشان دهنده عدم وجود توازن است.

در شاخص تورم که تاثیر منفی بر قدرت ملی بر جای می‌گذارد، قوم آذری با کسب امتیاز ۱۴/۷۵ رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. البته همان‌طور که گفته شد، رتبه نخست در اینجا به این معنی است که قوم آذری کمترین تورم را در بین اقوام مورد بررسی داشته است. در مقابل، اقوام کُرد و لُر هر کدام با میانگین امتیاز ۱۳/۹۳ بیشترین میزان تورم را به ثبت رسانده‌اند.

شاخص بیکاری نیز مانند تورم، شاهد این بوده است که قوم آذری بهترین عملکرد را در بین سایر اقوام با میانگین امتیاز ۲۰/۶۴ داشته است. در مقابل، قوم عرب با میانگین امتیاز ۱۱/۶۶ بیشترین بیکاری را در بین اقوام مورد بررسی داشته است. این امر نشان می‌دهد که آذری‌های ایران از حیث اقتصادی بسیار فعال هستند که نشان دهنده نفوذ آن‌ها است.

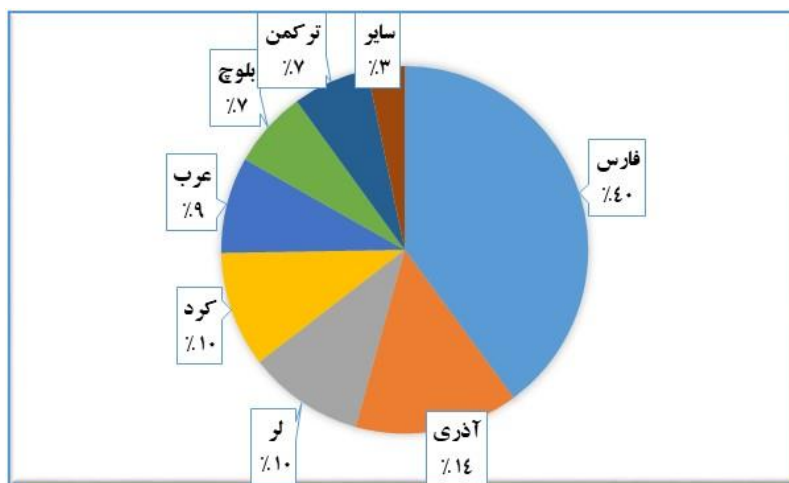
در شاخص صادرات، اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با میانگین امتیاز تقریباً ۷۰ و ۰/۰۴ بیشترین و کمترین میزان صادرات را به ثبت رسانده‌اند. این موضوع حاکی از این است که بیشتر صادرات ایران از استان‌هایی با اکثریت فارس نشین انجام می‌شود. این در حالی است که مرزهای ایران تقریباً با اقوام پوشانده شده است. به طوری که در حال حاضر تامین امنیت شرق کشور به عهده خود این اقوام گذاشته شده است. در این شاخص، قوم گُرد رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که همسایگی استان‌های آذری با ترکیه برخلاف تصور عموم صادرات زیادی را به خود اختصاص نداده است. به عبارت دیگر، تنها ۶ درصد از صادرات سهم قوم آذری بوده است.

در نهایت، در شاخص ضریب جینی (شاخص منفی) نیز قوم عرب با میانگین امتیاز ۱۵/۳۴ بهترین عملکرد را داشته است. در مقابل، قوم فارس با میانگین امتیاز ۱۲/۸۵ ضعیف‌ترین عملکرد را به ثبت رسانده است.

جدول ۱۳: سهم (درصد) اقوام در بُعد اقتصادی قدرت ملی به تفکیک سوالات پرسشنامه

اقوام / شاخص	فارس	گُرد	لُر	بلوچ	ترکمن	عرب	آذری	سایر	جمع
تولید ناخالص داخلی	۵۵/۶۶	۴/۱۵	۹/۱۶	۱/۰۴	۰/۳۷	۵/۲۴	۱۵/۲۲	۹/۱۶	۱۰۰
سرانه بودجه	۵۴/۰۲	۸/۰۸	۸/۷۲	۲/۹۲	۰/۸۰	۲/۲۵	۱۷/۲۳	۵/۹۸	۱۰۰
تورم	۱۴/۴۷	۱۳/۹۳	۱۳/۹۳	۱۴/۲۴	۱۴/۱۳	۱۴/۵۵	۱۴/۷۵	۰	۱۰۰
بیکاری	۱۲/۷۶	۱۳/۰۵	۱۳/۰۲	۱۱/۷۰	۱۷/۱۷	۱۱/۶۶	۲۰/۶۴	۰	۱۰۰
صادرات	۶۹/۵۶	۱۰/۶۲	۴/۸۵	۱/۴۷	۰/۰۴	۵/۶۴	۵/۸۸	۱/۹۴	۱۰۰
ضریب جینی	۱۲/۸۵	۱۴/۱۲	۱۴/۴۴	۱۴/۵۵	۱۴/۱۲	۱۵/۳۴	۱۴/۵۸	۰	۱۰۰

به طور کلی، همان‌طور که در نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است، در بُعد اقتصادی قدرت ملی، قوم فارس با در اختیار داشتن ۴۰ درصد از قدرت بیشترین سهم را از یک قدرت در جمهوری اسلامی ایران به خود اختصاص داده است. در مقابل، اقوام بلوچ و ترکمن هر کدام با ۷ درصد کمترین سهم را داشته‌اند. سهم قوم آذری نیز با ۱۴ درصد کسب رتبه دوم بوده است. اقوام گُرد و لُر نیز هر کدام با ۱۰ درصد رتبه سوم را کسب کرده‌اند. در نهایت، قوم عرب ۹ درصد از بُعد اقتصادی قدرت ملی را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۱: وزن اقوام در بُعد اقتصادی قدرت ملی ایران

وزن اقوام در بُعد منابع قدرت ملی

از حیث مساحت کشور ایران، ۶۵/۶۰ درصد متعلق به قوم فارس است. در مقابل، سهم قوم ترکمن با ۰/۴۳ درصد کمترین مقدار است. قوم آذری با بیش از ۹ درصد رتبه دوم را کسب کرده‌اند. اقوام کُرد و لُر نیز با اختلاف کمی به ترتیب رتبه‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

از حیث میادین فعال نفتی، بیشترین مقدار با ۴۲/۳۷ درصد متعلق به قوم فارس و کمترین مقدار نیز با صفر درصد متعلق به قوم ترکمن است. اقوام لُر و عرب نیز به ترتیب با تقریباً ۲۷ و ۱۶ درصد رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

بیشترین میادین گازی فعال نیز با ۶۸/۳۷ درصد متعلق به قوم فارس و کمترین مقدار نیز با صفر درصد متعلق به قوم ترکمن است. رتبه‌های دوم و سوم نیز متعلق به اقوام لُر و عرب به ترتیب با ۱۲ و تقریباً ۸ درصد از کل میادین گازی کشور بوده است. اگرچه برخی معتقدند در سایر مناطق مانند ترکمن صحرا یعنی محل سکونت قوم ترکمن نیز نفت وجود دارد، اما در حال حاضر به بهره‌برداری نرسیده است.

بیشترین مقدار تولید برق با ۶۴/۶۵ درصد از کل تولید برق کشور متعلق به قوم فارس و کمترین مقدار نیز با ۰/۳۲ متعلق به قوم ترکمن است. قوم آذری با بیش از ۱۲ درصد از تولید برق کشور را به خود اختصاص داده است که رتبه دوم را کسب کرده است. اقوام کُرد و لُر نیز با اختلاف اندکی هر کدام با تقریباً ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

بیشترین و کمترین منابع آب شیرین متعلق به اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با ۳۰/۴۴ و ۰/۴۵ درصد است. قوم آذری تقریباً ۲۸ درصد از منابع آب شیرین کشور را به خود اختصاص داده است که بر این اساس می‌توان گفت رتبه دوم را کسب کرده است. قوم لُر نیز به دلیل محیط جغرافیایی خاص خود تقریباً ۲۶ درصد از منابع آب شیرین کشور را به خود اختصاص داده است که رتبه سوم را برای آن در بین اقوام کشور به ارمغان آورده است.

در شاخص پوشش‌های جنگل‌ها قوم فارس با ۵۷/۷۰ و قوم ترکمن با ۰/۸۴ درصد بیشترین و کمترین مساحت جنگل‌ها را دارند. قوم لُر با میزان ۱۶ درصد از جنگل‌ها رتبه دوم را کسب کرده است که نسبت به سایر اقوام با اختلاف در جایگاه دوم قرار گرفته است. وضعیت سایر اقوام از این حیث مطلوب نیست.

در شاخص مراتع اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با ۶۵/۲۹ و ۰/۳۵ درصد بیشترین و کمترین مساحت مراتع را دارند. به جز قوم آذری که کمی بیش از ۱۰ درصد از مراتع را به خود اختصاص داده است، سهم سایر اقوام بسیار کم بوده است که نشان دهنده عدم وجود توازن در این زمینه است.

اقوام فارس و عرب به ترتیب با ۴۳/۹۴ و ۰/۸۹ درصد بیشترین و کمترین میزان بارندگی از کل کشور را دارند. اقوام کُرد، لُر و آذری نیز به ترتیب با بیش از ۱۷، ۱۵ و ۱۶ درصد رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفتند.

اگر دسترسی به آب‌های آزاد ایران صد درصد در نظر گرفته شود، تقریباً ۷۴ درصد متعلق به قوم فارس و سهم اقوام ترکمن و کُرد صفر درصد است. این در حالی است که قوم بلوچ تقریباً ۱۲ درصد از دسترسی به آب‌های آزاد کل کشور را به خود اختصاص داده است. سهم سایر اقوام نیز بسیار کم بوده است.

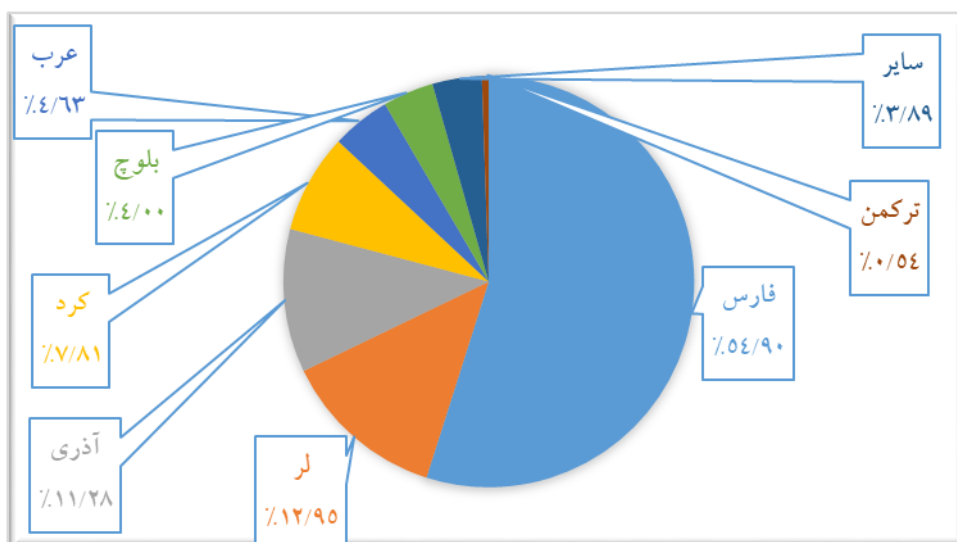
اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با ۴۷/۱۹ و ۰/۸۲ درصد بیشترین و کمترین تولید محصولات کشاورزی از کل کشور را بر عهده دارند. قوم آذری تقریباً ۱۹ درصد از محصولات کشاورزی کشور را تولید می‌کنند که باعث اختصاص یافتن رتبه دوم به آن‌ها در شاخص مذکور شده است. سهم سایر اقوام - به جز قوم لُر که کمی بیش از ۱۲ درصد محصولات کشاورزی کشور را تولید کرده است - همگی کمتر از ۱۰ درصد بوده است.

در نهایت، اقوام فارس و ترکمن به ترتیب با ۴۹/۲۹ و ۰/۸۶ درصد بیشترین و کمترین مقدار دامداری را دارند. به عبارت دیگر، تقریباً نصف دامداری کشور را قوم فارس بر عهده گرفته است. رتبه‌های دوم و سوم در شاخص دامداری نیز به اقوام آذری و لُر به ترتیب با تقریباً ۲۰ و ۱۲ مربوط می‌شود.

جدول ۱۴: سهم (درصد) اقوام در بُعد منابع قدرت ملی به تفکیک سوالات پرسشنامه

اقوام / شاخص	فارس	کرد	لُر	بلوچ	ترکمن	عرب	آذری	سایر	جمع
مساحت	۶۵/۶۰	۵/۷۲	۵/۹۴	۷/۶۱	۰/۴۲	۱/۵۱	۹/۴۵	۳/۷۵	۱۰۰
نفت	۴۲/۳۷	۹/۲۴	۲۶/۵۰	۰/۷۹	۰	۱۵/۷۴	۱/۹۱	۳/۴۵	۱۰۰
گاز	۶۸/۳۷	۳/۹۲	۱۲/۱۷	۱/۰۹	۰	۷/۸۰	۳/۷۷	۲/۸۸	۱۰۰
تولید برق	۶۴/۶۵	۵/۶۲	۵/۹۱	۱/۶۸	۰/۳۲	۳/۷۱	۱۲/۲۳	۵/۸۸	۱۰۰
آب شیرین	۳۰/۴۴	۱۰/۱۲	۲۵/۸۰	۲/۴۹	۰/۴۵	۲/۷۸	۲۷/۹۲	۰	۱۰۰
جنگل‌ها	۵۷/۷۰	۹/۵۴	۱۵/۹۶	۵/۲۵	۰/۸۴	۲/۲۵	۵/۱۵	۳/۳۱	۱۰۰
مراعات	۶۵/۲۹	۵/۶۱	۴/۷۳	۸/۴۶	۰/۳۵	۱/۱۸	۱۰/۱۶	۴/۲۲	۱۰۰
میزان بارندگی	۴۳/۹۴	۱۷/۳۳	۱۵/۰۷	۱/۱۶	۱/۵۷	۰/۸۹	۱۵/۵۴	۴/۵۰	۱۰۰
دسترسی به آب‌های آزاد	۷۳/۹۱	۰	۳/۵۱	۱۱/۵۵	۰	۵/۴۳	۰/۲۹	۵/۳۱	۱۰۰
تولید محصولات کشاورزی	۴۷/۱۹	۷/۲۹	۱۲/۳۶	۱/۲۰	۰/۸۲	۷/۵۷	۱۸/۶۱	۴/۹۶	۱۰۰
دامداری	۴۹/۲۹	۸/۴۱	۱۱/۶۰	۳/۲۶	۰/۸۶	۲/۱۲	۱۹/۷۱	۴/۷۵	۱۰۰

به طور کلی، با توجه به داده‌های فوق، همان‌طور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، قوم فارس تقریباً ۵۵ درصد از قدرت ملی ایران در بُعد منابع را در اختیار دارد. پس از آن قوم لُر با تقریباً ۱۳ درصد و قوم آذری با ۱۱ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. سهم اقوام کرد، عرب، بلوچ و ترکمن نیز به ترتیب تقریباً ۸، ۵، ۴ و ۱ درصد است.



نمودار ۲: وزن اقوام در بُعد منابع قدرت ملی ایران

وزن اقوام در قدرت ملی

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ قابل مشاهده است، ۴۹ درصد از قدرت ملی ایران را قوم فارس تشکیل می‌دهد. قوم آذری و لُر با ۱۲ درصد رتبه دوم را کسب کرده‌اند. وزن اقوام کرد ۹ درصد از قدرت ملی ایران بوده است. اقوام عرب و بلوچ نیز به ترتیب با ۶ و ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. وزن قوم ترکمن نیز ۳ درصد از قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده که رتبه هفتم را برای آن به همراه داشته است.



نمودار ۲: وزن اقوام در قدرت ملی ایران

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قدرت ملی موضوعی است که تمام کشورها از دیرباز همواره برای حفظ و ارتقای آن تلاش کرده‌اند. در دوران پیشا مدرن، قدرت ملی عمدتاً در ابزارهای جنگی و تسلیحات نظامی خلاصه می‌شد. این موضوع متناسب با فرایندهای آن دوران بوده است که اشغال نظامی یک کشور فرایندی تقریباً بدیهی و طبیعی تلقی می‌شد. با گذشت زمان، ابعاد دیگری بر قدرت ملی افزوده شد. با در نظر گرفتن این واقعیت، در این پژوهش سعی شد تا ابعاد اقتصادی و منابع قدرت ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ملی مورد تجزیه و تحلیلی قرار گیرد. سپس با استفاده از روش دلفی (خبرگان) شاخص‌هایی برای سنجش هر کدام از آن‌ها مشخص شد. اما مساله اصلی این پژوهش برخلاف سایر پژوهش‌ها، سنجش قدرت ملی یک کشور یا چند کشور نبود، بلکه هدف آن بود که وزن اقوام در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد سنجش قرار گیرد. یکی از علل اصلی که باعث شد این موضوع برای پژوهش برگزیده شود، این بود که ایران از دیرباز محل زیست اقوام گوناگون بوده است. به همین جهت، دشمنان این مرز و بوم درصدد سوءاستفاده از آن برآمده‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش که در آن قوم فارس در ابعاد اقتصادی و منابع تقریباً نیمی از قدرت ملی را به خود اختصاص داده بودند، طبیعی است که به نسبت آن قدرت را در اختیار بگیرند. اما مساله اصلی این است که برخی اقوام مانند قوم عرب که در ابعاد اقتصادی و منابع به ترتیب ۹ و ۵ درصد از قدرت ملی را تشکیل می‌دهند، نقش بارزتری در حکمرانی کشور ایفا نمایند. به عنوان مثال، مانند شرق کشور می‌توان در تامین امنیت مرزهای جنوب غربی نیز از ظرفیت آن‌ها بهره برد. این نوع راهبردها علاوه بر آن که باعث جلوگیری از سوءاستفاده قدرت‌های متخاصم می‌شود، جذب هر چه بیشتر آن‌ها در نظام را نیز در پی دارد.

حامی مالی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان

این مقاله مستخرج از کار رساله است، کارهای میدانی، تحلیل و نگارش مقاله توسط نویسنده اول و دوم مقاله انجام شده است؛ صحت، تائید و راهنمایی در تدوین مقاله توسط نویسنده اول صورت گرفته است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان، از همه افراد، به دلیل مشاوره و راهنمایی علمی و مشارکتشان در این مقاله تشکر و قدردانی می‌نمایند.

ORCID

Mohsen Rostami 

<https://orcid.org/0000-0003-0993-0549>

منابع

فارسی

- اعظمی، هادی (۱۳۸۳). «الگویابی نظام قدرت در آفریقا»، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بهشتی، سید صمد و محمد حق مرادی (۱۳۹۶). «فراتحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تاکید بر نقش رسانه»، **مسائل اجتماعی ایران**، ۸ (۲)، ۵-۲۷.
- بیانات (۱۳۹۲). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24378>
- بیدالت، فرانسیس. (۱۳۹۲). **اندازه‌گیری قدرت ملی**. ترجمه محمدرضا دره شیر، آرنوش شاکری، تهران: نشر مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پیشگاهی فرد، زهرا، حسینی، سید موسی، فراهانی، مرتضی (۱۳۹۳). «رتبه‌بندی قدرت ملی کشورهای خاورمیانه با استفاده از تصمیم‌گیری چندشاخصه جبرانی»، **پژوهشنامه جغرافیای انتظامی**، ۲ (۵)، ۲۴۹-۲۷۴.
- جعفری، پرپسا (۱۳۹۷)، اقوام ایرانی: ۵ بزرگ‌ترین گروه‌های قومی در ایران را بشناسید، قابل دسترس در: <https://bazdeh.org/%D8%A7>
- حافظنیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۸). **مباحث نظری درباره قدرت ملی**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظنیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸). «محاسبه شاخص‌های اصلی و فرعی قدرت اجتماعی تأثیرگذار بر قدرت ملی کشورها و مقایسه وضعیت ایران با سایر کشورها»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، ۱۵ (۲)، ۳۸۹-۴۱۶.
- خبرگزاری برنا (۱۴۰۲)، جزییاتی جالب از جمعیت فعلی ایران، قابل دسترس در: <https://borna.news/fa/news/2022479/>
- خلیلی، رضا و محسن مرادیان (۱۳۹۷). **قدرت ملی: چارچوب نوین برای سنجش و تحلیل**، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۵). **ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها**، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۹). «نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، ۶ (۱۷)، ۱۴۹-۱۸۰.

- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸). **مقدمه‌ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۲). «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام». **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، ۱ (۲)، ۱-۲۶.
- زرقانی، هادی. (۱۳۹۹). **درآمدی بر مبانی و سنجش قدرت ملی با مقایسه قدرت ملی ایران و عراق در دوران جنگ تحمیلی**. تهران: نشر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵)، «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، ۲ (۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
- صالح‌آبادی، ریحانه و دیگران (۱۴۰۱). «بررسی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی موثر بر قدرت ملی کشورها»، **تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، ۲۲ (۶۶)، ۲۴۱-۲۶۹.
- صفوی، سید یحیی، علی‌پور، عباس، حیدری، جهانگیر (۱۳۹۵). «نقش اقوام در انسجام و تحکیم قدرت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا**، ۱ (۲)، ۱۳۱-۱۵۷.
- طرفداری (۱۴۰۳)، جمعیت دقیق اقوام مختلف ایران در مناطق مختلف کشور (فارس‌ها و ترک‌ها اول و دوم، کردها و لرها سوم)، قابل دسترس در: <https://www.tarafdari.com/node/2463193>
- قربی، سیدمحمدجواد، حیدری، منصور (۱۳۹۶). «نقش همدلی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مجله سیاست دفاعی**، ۲۵ (۹۸)، ۸۳-۱۲۵.
- کلانتری، فتح‌الله و اکبر خزلی (۱۳۹۹). «نقش مولفه‌های قدرت ملی در تحقق متعالی حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه آفاق امنیت**، ۱۳ (۴۷)، ۵۳-۷۹.
- مجیدی، محمدرضا، حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۴). «سازکارهای سیاسی - درونی افزایش قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، ۴ (۱۳)، ۱۱۱-۱۴۴.
- محسن‌زادگان، امیر، موغلی، مرضیه، زاهدی، اسعد (۱۳۹۶). **شاخص قدرت‌های ملی و دفاعی**، تهران: نشر انتخاب.
- محمودزاده، ابراهیم، قاضی، حسن (۱۳۹۶). «نقش و جایگاه توسعه فناوری در بعد نظامی قدرت ملی»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، ۱۵ (۶۷)، ۲۶۱-۲۸۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). مساحت، قابل دسترس در: <https://amar.org.ir/Portals/0/Statistics/1899/n-koli-95.pdf>
- مسعودنیا، حسن و دیگران (۱۳۹۳). بررسی رابطه هویت ملی و قومی: (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، **مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی**، ۳ (۲)، ۱۳۹-۱۶۵.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۷). «قدرت ملی ضریب افزایش اتحاد»، **نشریه زمانه**، شماره ۶۳، ۲۰-۲۴.
- مفخمی شهرستانی، حسن و حیدرعلی نیرومند (۱۳۹۸). «نقش عوامل ژئوپلیتیک ر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی**، ۱۷ (۷۶)، ۲۵۹-۲۸۰.
- موسوی شفایی، مسعود، ایمانی، همت (۱۳۹۶). «دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، ۲۶ (۸۴)، ۱۴۹-۱۷۴.
- نصری، قدیر (۱۳۹۱). «الگوی روش‌شناختی برای سنجش وزن حرکت‌های قومی - مذهبی (با توجه به کشورهای شرق خاورمیانه در ربع اول قرن ۲۱)»، **فصلنامه امنیت پژوهی**، ۱۱ (۳۷)، ۷-۳۴.
- واثق، محمود، رضائی سکه روانی، داود، چناری، سمیرا (۱۳۹۶). «تأثیر اقلیت‌های فضایی بر قدرت ملی (با تأکید بر اقلیت‌های قومی)»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، ۴۹ (۳)، ۶۷۵-۶۹۱.

References

- Anderson, L., & Costa, C. (2016). Survival of the fittest: Explaining the success of ethnic autonomy arrangements. **Swiss Political Science Review**, 22(4), 516-544.
- Bradley, M., & Chauchard, S. (2022). The Ethnic Origins of Affective Polarization: Statistical Evidence from Cross-National Data. **Frontiers in Political Science**, 64.

Rong, M. (2010). A new perspective in guiding ethnic relations in the 21st century: 'De-politicization' of ethnicity in China. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 2(5), 6831-6845.

Ruedin, D. (2009). Ethnic group representation in a cross-national comparison. *The Journal of Legislative Studies*, 15(4), 335-354.

Singh, P., & vom Hau, M. (2015). Ethnicity, state capacity, and development: Reconsidering causal connections. **The politics of inclusive development: Interrogating the evidence**, 231-258.

Tellis, A. J., Szalwinski, A., & Wills, M. (Eds.). (2015). Foundations of National Power in the Asia-Pacific. **National Bureau of Asian Research**.

World Population Review. (2023). Iran Population 2023 (Live), Available at: <https://worldpopulationreview.com/countries/iran-population>